

Standardizing the Transliteration of Islamic Sciences Terms; necessity, effects and problems

Sayyid Mahdi Majidi Nezami¹

Abstract

The upcoming problems with translation of texts and finding the equivalence of Islamic vocabulary and terms require the use of vocabulary transliteration. The use of transliteration and vocabulary description will translate the Islamic concepts more precisely, increase the user's familiarity with Islamic terms, and facilitate the promotion of Islamic teachings throughout the world. However, Lack of discipline in transliteration will lead to chaos in the quality of data entry in the database as well as user's confusion, spending a lot of time and failure to access all the information at the time of data retrieval.

The aim of this study is to prove the necessity of transliteration management through standardization and the system of references in synonyms. The paper has been conducted by descriptive-analytical method through referring to available documents in written or digital form. The findings of the study are the necessity of policymaking, standardizing the transliterated terms along with conceptual explanation of transliterated vocabularies, and the need for using the system of references in order to refer to standardized transliterated terms. Success in this work requires the cooperation and participation of research centers, educational centers, libraries, publishing centers, and online databases, especially online helps, and search engines at national and international levels.

Keywords

Islamic sciences terms, standardization, transliteration, data entry, data retrieval.

1. Assistant professor at Islamic Sciences and Culture Academy: m.majidi@isca.ac.ir

استانداردسازی نویسه‌گردانی اصطلاحات علوم اسلامی؛ ضرورت، آثار و مشکلات

سیدمه‌دی مجیدی نظامی*

چکیده

مشکلات فراوی ترجمه متون و معادل‌یابی واژگان و اصطلاحات علوم اسلامی اقتضا می‌کند که از نویسه‌گردانی واژگان استفاده شود. استفاده از نویسه‌گردانی و شرح واژگان، سبب انتقال دقیق‌تر مفاهیم اسلامی، تعمیق آشنایی کاربر با اصطلاحات اسلامی و تسهیل در نشر معارف اسلامی در جهان می‌شود. از طرفی، عدم انضباط در نویسه‌گردانی، سبب هرج و مرج در کیفیت ورود اطلاعات در پایگاه داده‌ها شده و نیز سردرگمی کاربر، صرف وقت بسیار و عدم دست‌یابی به همه اطلاعات موردنظر در زمان بازیابی اطلاعات را در پی دارد. هدف این پژوهش، اثبات ضرورت مدیریت نویسه‌گردانی از طریق استانداردسازی و نظام‌ارجاعات در مترادف‌ها است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی با مراجعه به اسناد و مدارک موجود به صورت نشر مکتوب یا دیجیتال انجام شده است. دستاوردهای تحقیق عبارتند از: لزوم سیاست‌گذاری، استانداردسازی نویسه‌های اصطلاحات همراه با تبیین مفهومی واژگان نویسه‌گردانی‌شده و ضرورت استفاده از نظام ارجاعات برای ارجاع به نویسه‌های استانداردشده. موفقیت در این کار، نیازمند مشارکت و همکاری مراکز پژوهشی، آموزشی، کتاب‌خانه‌ها، مراکز نشر و پایگاه‌های اطلاعاتی برخط به‌ویژه راهنماهای اینترنتی و موتورهای جستجو در سطح ملی و بین‌المللی است.

کلیدواژه‌ها

اصطلاحات علوم اسلامی، استانداردسازی، نویسه‌گردانی، ورود اطلاعات، بازیابی اطلاعات.

مقدمه

از معضلات عملی و مشکلات عصر اطلاعات^۱، بازیابی ناقص اطلاعات موردنظر کاربر است. یکی از عوامل مهم در این باره، شیوه ذخیره اطلاعات است؛ اطلاعات آن گونه که ذخیره می‌شوند، امکان بازیابی می‌یابند. این مشکل در حوزه بازیابی اصطلاحات علوم اسلامی که به صورت نویسه‌گردانی شده بر روی فضای مجازی ارسال شده، نمود بیشتری دارد؛ زیرا با توجه به عدم وجود معیار برای نویسه‌گردانی و استاندارد نبودن آن در جابجایی نویسه‌ها، اصطلاحات حوزه علوم اسلامی به اشکال مختلف ذخیره می‌شوند و سبب می‌شود تا کاربر تمامی اشکال ممکن مورد استفاده برای یک اصطلاح در زبان مقصد را مورد جستجو قرار دهد و اگر از این مهم غفلت کند و یا توانایی حدس آن را نداشته باشد تا در پی بازیابی کامل برآید، نتیجه جستجوی وی ناقص خواهد بود و اگر بخواهد نتیجه جستجو کامل شود، باید برای بازیابی اطلاعات^۲ از طریق جست‌وجوی همه اشکال متصور در نویسه‌گردانی اصطلاح از زبان مبدأ به زبان مقصد تلاش دوچندانی نماید. از باب نمونه واژه «قرآن» در نویسه‌گردانی به انگلیسی به چند صورت نوشته شده مانند: «*Ghuran, Ghoran, Quran, Qoran, Kuran, Koran*» و این سبب ایجاد مشکل و سردرگمی در بازیابی اطلاعات می‌شود؛ زیرا نتیجه بازیابی، تابع نحوه ذخیره است. بایسته است مراکز متصدی مدیریت اطلاعات، در این زمینه ورود کرده و استاندارد مشخص در حوزه نویسه‌گردانی واژگان علوم اسلامی ارائه دهند تا واژگان موردنظر به شکل یکسان و هماهنگ نویسه‌گردانی شوند. همچنین با توجه به استفاده مراکز از اشکال مختلف در نویسه‌گردانی، شیوه‌ای مناسب برای شناسایی مترادفات، تفکیک و جداسازی واژگان مرجح از غیرمرجح و ارجاع غیرمرجح به مرجح، ارائه نمایند. با این کار مشکل بازیابی به آسانی حل خواهد شد؛ هم‌چنین ضمن اینکه تمامی اشکال کلمه نویسه‌گردانی شده در متون مختلف، سر جای خودش محفوظ است.

1. Information Age

2. Information Retrieval

نمونه‌های دیگر اختلاف در واژه‌های عربی نویسه‌گردانی شده به انگلیسی:

حدیث: (Hadith, Hadis, Hadeas, hdaeeth, Hadees)؛ رمضان: (Ramadan, Ramazan, Mecca, Makkah)؛ عید: (Id, eid, eed)؛ فطرة: (Fitra, Fitrah, Fitrat, Fetra, Fetrah, Fetrat)؛ ظهر: (Dhuhr, zuhr)؛ اذان: (Adhan, Athan, Azaan).

در شرایط حاضر برای جست‌وجوی کامل هر کدام از موارد فوق باید کلیه واژه‌های ممکن در نویسه‌گردانی جست‌وجو شوند؛ و گرنه بازیابی ناقص خواهد بود.

در زمینه نویسه‌گردانی در حوزه اصطلاحات علوم اسلامی، مطالب جست‌وجو و گریخته و مفیدی، مطرح شده (ویکی‌پدیا ۱۳۹۷، Glossary of Islam) و درباره نویسه‌گردانی و نیز آوانگاری (Transcription) قرآن^۱ و ادعیه^۲ نیز کارهایی انجام شده است. همچنین برخی کتاب‌هایی که در حوزه فرهنگ زبان فارسی به رشته تحریر آمده (معین، ۱۳۷۵؛ آریانپور، ۱۳۸۱؛ انوری، ۱۳۸۱؛ همو ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳؛ امامی، ۱۳۸۶؛ صدری افشار و همراهان، ۱۳۸۸ و حییم، ۱۳۸۷) به تناسب نگارش و تلفظ زبان فارسی به نحوی نویسه‌گردانی متناسب با زبان فارسی داشته‌اند؛ علاوه بر اینکه در حوزه اصطلاحات علوم اسلامی نبوده و به صورت عام، ورود پیدا کرده‌اند اما همین مقدار نیز برای آشنایی با وضعیت نویسه‌گردانی و نیز مشاهده سلیقه‌های مختلف در امر نویسه‌گردانی کفایت می‌کند. مشکل این جاست که میان خود این صاحب‌نظران نیز اختلاف رأی و شیوه است. به عنوان نمونه: برخی برای صدای «خ» از تک نویسه «x» (معین، ۱۳۷۵؛ انوری، ۱۳۸۱؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۴؛ امامی، ۱۳۸۶؛ حییم، ۱۳۸۷ و صدری افشار و همراهان، ۱۳۸۸) و برخی از دو نویسه «kh» استفاده می‌کنند (آریانپور، ۱۳۸۱). برخی برای «ش» از نویسه «š» استفاده می‌کنند (معین، ۱۳۷۵؛ انوری، ۱۳۸۱؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۴؛ امامی، ۱۳۸۶؛ حییم، ۱۳۸۷ و صدری افشار و همراهان، ۱۳۸۸) و برخی از «sh» (آریانپور، ۱۳۸۱). برخی برای حرف «غ» از نویسه «q» استفاده می‌کنند (انوری، ۱۳۸۱؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۴؛ حییم، ۱۳۸۷؛

۱. در خصوص آوانگاری قرآن، ر.ک: <http://transliteration.org> با توجه به اهمیت صحیح تلفظ قرآن، این سایت ضمن ارائه متن قرآن با ترجمه به ۳۱ زبان، آوانگاری آن با حروف انگلیسی را نیز به همراه صوت قرائت عربی آورده است. از این رو در این سایت به آوانگاری توجه شده است نه نویسه‌گردانی. به نظر می‌رسد سزاوار است که بسیاری از مسلمانان که به زبان عربی تکلم نمی‌کنند ولی قرآن را به زبان عربی می‌توانند تلفظ کنند، فراگیری قرآن از طریق آوانگاری باشد.

۲. ر.ک: <http://transliteration.org/quran/Du%60a/Quooot%20Al-Witr.htm>

صدری افشار و همراهان، ۱۳۸۸) در حالی که برخی دیگر از نویسه «ğ» استفاده می‌کنند (امامی، ۱۳۸۶) و برخی نیز از «gh» استفاده می‌کنند (آریانپور، ۱۳۸۱) و برخی نیز از حرف شبیه «y» استفاده می‌کنند (معین، ۱۳۷۵)؛ البته اختلاف روش منحصر به موارد فوق نیست و در مورد برخی حروف دیگر و صداها نیز اختلاف نظر وجود دارد که به سبب پرهیز از زیاده‌نویسی، خودداری می‌شود و نگاهی به آثار یادشده، مؤید این ادعا است. چنین رویکردی در کتاب‌های عربی و آثاری که در حوزه‌های اسلامی نوشته شد، نیز وجود دارد. مثلاً برخی در خصوص حرف «ش»، «خ»، «غ» به ترتیب برخی از دونویسه «sh»، «kh»، «gh» استفاده کرده‌اند (شاهین، ۱۳۸۱؛ ابراهیمی، ۱۳۸۲؛ رضوی، ۱۳۸۳؛ کامیرون، ۱۹۷۹ و نقوی، ۱۹۹۲م)؛ برخی نیز با وجود این که در آغاز کتاب تذکر دادند؛ معادل حروف «خ»، «ش»، «غ» به ترتیب «x»، «š»، «ğ» است اما در عمل و هنگام نویسه‌گردانی اسامی سوره‌های قرآن به ترتیب از نویسه‌های «Kh»، «Sh»، «Q» استفاده کرده‌اند؛ واژه «برزخ» را به صورت «Barzakh» (صدرعاملی، ۱۳۷۹، ج ۱۹: ص ۱۵۰) و «غاشیه» را به صورت «Qashiyah» (همان: ص ۳۴۴) نویسه‌گردانی کرده‌اند و این یعنی تفاوت رویه با دستورالعمل در یک اثر.

تعریف‌ها

قبل از شروع بحث، تعریف و توضیحات برخی مفاهیم اصلی مقاله، ضروری است:

نویسه^۱

هر کلمه‌ای از حروف خاصی تشکیل شده است. به هر کدام از این اجزاء، نویسه، کاراکتر و یا دبیره گفته می‌شود. از طرفی نویسه، مفهوم عام‌تری دارد و شامل: حروف الفبا، ارقام، نشانه‌های نقطه‌گذاری و اعراب‌گذاری که از آن تعبیر به تک‌نگاره^۲ نیز می‌شود. تک‌نگاره یا نویسه، کوچک‌ترین نماد زبان نوشتاری است که موجب تمایز معنایی می‌شود؛ هر چند جزو حروف محسوب نشود؛ مانند: «،»، «:»، و «؟». چنان که جمله «بخشش

1. Character

2. Grapheme

لازم نیست اعدامش کنید» را با بهره‌گیری از نویسه می‌توان به دو گونه نوشت: «بخشش، لازم نیست اعدامش کنید» یا «بخشش لازم نیست، اعدامش کنید»^۱.

نویسه‌گردانی^۲

نویسه‌گردانی؛ یعنی نشان‌دادن کیفیت تلفظ کلمه از طریق تبدیل نویسه‌های الفبایی زبان مبدأ به نویسه‌های الفبایی زبان مقصد و نوشتن حرف به حرف آن با استفاده از نزدیک‌ترین حروف متناظر با حفظ حالت نوشتاری در تبدیل نویسه‌ها؛ مانند: «*men rabbehem*» برای «مِن رَبِّهِمْ». توجه به این نکته مهم است که مراد از نویسه‌گردانی، تنها تبدیل حروف یک کلمه نیست بلکه شامل نحوه تلفظ کلمه به لحاظ حرکات آن نیز می‌شود؛ بنابراین نویسه «مِن» به کسر اول «*men*» و نویسه «مَن» به فتح اول، «*man*» است؛ در حالی که اگر فرض کنیم مراد از نویسه، فقط حرف است، در هر دو صورت چنین می‌شود: «*mn*» و این درست نیست؛ زیرا حرکت نیز همانند علائم و ارقام، از اقسام نویسه محسوب می‌شوند.^۳

آوانگاری^۴

آوانگاری؛ یعنی نشان‌دادن کیفیت تلفظ کلمه یا عبارت است از: شیوه تبدیل نویسه‌های الفبایی زبان مبدأ به نویسه‌های الفبایی زبان مقصد و نوشتن حرف به حرف آن با استفاده از نزدیک‌ترین حروف متناظر با حفظ حالت گفتاری در تبدیل نویسه‌ها. آوانگاری علاوه بر حفظ حالت گفتاری، بیشتر برای نشان‌دادن چگونگی تلفظ نویسه‌ها در عبارت و جمله‌های ترکیبی کاربرد دارد. از این رو، برخی حروف در آوانگاری نمایان نمی‌شود مانند: «*merrabehem*» برای «مِن رَبِّهِمْ».

۱. ر.ک: <https://fa.wikipedia.org> ذیل واژه تک نگاره. نیز ر.ک:

<https://en.wikipedia.org/wiki/Grapheme>

2. Transliteration

۳. ر.ک: <https://en.wikipedia.org/wiki/Grapheme>

4. Transcription

اصطلاح^۱

اصطلاح، از ریشه صلح و مصدر باب افتعال (اصتلاح) است که طبق قاعده زبان عربی، «ت» آن تبدیل به «ط» شد. اصطلاح در لغت به معنای، با یکدیگر صلح کردن است و مراد از معنای اصطلاحی، اتفاق طایفه مخصوصی بر وضع چیزی است. به عبارت دیگر، اصطلاح؛ یعنی لغتی که جمعی برای خود وضع کنند و بر معنایی غیر از معنای اصلی و معنای موضوع توافق کنند و به تعبیری، عرف خاص عبارت است از: اتفاق قومی بر چیزی یا نامی بعد از نقل آن چیز از اولین موضوعش، یا برای مناسبتی که بین اولین موضوع و نام آن شیء بوده، مانند عموم و خصوص، یا برای مشارکت بین آن دو در امری، یا مشابهت بین آن دو در وصفی، یا غیر آن (دهخدا، ۱۳۳۷، ج ۷: ص ۲۷۶۳)؛ مانند: استعمال صلاة در عمل عبادی مخصوص بعد از وضع لغوی آن در معنای دعا و استعمال «جهاد» در قتال با کفار یا جهاد نفس در حالی که در لغت به معنای، تلاش و کوشش است. بنابراین، مراد از اصطلاح، هر کلمه یا جمله‌ای است که برای بیان مفهومی خاص در عرف خاص، کاربرد دارد و هر واژه‌ای مقصود نیست. به عبارت دیگر، قیودی که در تعریف اصطلاح خاصی در یک حوزه به کار می‌رود؛ چه بسا در حوزه دیگری مطرح نباشد و به جای آن، قیود دیگر لازم باشد و اگر نتوانیم ترجمه در زبان دوم، معادلی برایش بیابیم مجبور به ذکر نام اصطلاح در مقصد شویم و در نوشتار، از نویسه‌های زبان مقصد استفاده کنیم و مقصود از آن را توضیح دهیم.

توضیح این نکته نیز لازم است که برای مدیریت اصطلاحات متداول در هر علم نیز باید از ابزاری مناسب استفاده شود تا واژگان مخصوص در هر حوزه را مدیریت کند. این ابزار، اصطلاح‌نامه است. اصطلاح‌نامه یا تزاروس^۲؛ مجموعه‌ی اصطلاحات استاندارد شده در یک حوزه معرفتی است که فهرستی از واژگان کلیدی و کاربردی آن حوزه را ارائه می‌دهد و روابط سلسله‌مراتبی، مترادف و وابستگی بین مفاهیم را به نمایش می‌گذارد و از نظر ساختاری، گنجینه واژگان کنترل شده و سازمان یافته در حوزه خاص دانش بشری است و

1. idiom, term

2. Thesaurus

به‌عنوان بهترین وسیله برای ذخیره و بازیابی اطلاعات آن حوزه به کار می‌رود (ر.ک: اسلامی‌داک، ۱۳۹۷).

علوم اسلامی

درباره ضابطه علوم اسلامی و مصادیق آن، بحث‌های فراوانی در گرفته است (ر.ک: مطهری، ۱۳۶۹، ج ۱: ص ۱۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸ و ویکی فقه، ۱۳۹۷) که پرداختن به آن فرصت مستقلى می‌طلبد. به‌طور کلی، مراد از علوم اسلامی، علومى است که به نحوى با علوم و معارف اسلامى و در فهم صحیح از آن ارتباط دارد؛ مانند: کلام، فقه، اصول و اخلاق.

مراد از نویسه‌گردانی در این پژوهش

مراد از نویسه‌گردانی در این پژوهش، نویسه‌گردانی از حروف واژه‌های عربی به حروف واژه‌های انگلیسی است. در این تبدیل، اگر حرفی از زبان مبدأ در زبان مقصد وجود نداشت؛ مانند: «ع، ص، ش، ذ، ظ، ث، غ و ح»، باید برای آن چاره‌ای اندیشید. برخی از طریق علائم فونتیکی^۱ و برخی با استفاده از دو حرف در زبان مقصد. خواستند مشکل را حل کنند؛ همان‌گونه که پیش از این در تعریف نویسه و آوانگاری بیان شد، مراد از نویسه‌گردانی، تبدیل حرف به حرف کلمات همراه حرکات و سکون آن است. فرق این با آوانگاری در تمرکز نویسه‌گردانی به حالت نوشتاری و توجه آوانگاری به تلفظ و محاوره است که بیشتر در ترکیب کلمات خودنمایی می‌کند؛ مانند: «wa_lhamd» و «wa_alhamd» در عبارت «و الحمد». اگر در نویسه‌گردانی فقط تبدیل حرف مراد باشد، نویسه واژه فارسی «گردن» در انگلیسی «Grdn» است و این درست نیست، بلکه نحوه تلفظ آن نیز مراد است؛ یعنی همراه با آوانگاری آن. بنابراین، نویسه آن در انگلیسی می‌شود: «Gardan» پس مراد از نویسه‌گردانی، تبدیل حرف به حرف است با رعایت حرکات و سکون کلمه در زبان مبدأ.

با توجه به اهمیت پژوهش واژگانی در حوزه علوم اسلامی، بیشترین نکات در این

1. Phonetics

پژوهش، متوجه حوزه‌های مرتبط با نویسه‌گردانی است و نه آوانگاری؛ البته در موارد ترکیبی، نگارش نحوه تلفظ آن (آوانگاری) نیز لازم است.

کاربرد نویسه‌گردانی اصطلاحات علوم اسلامی در انتقال مفاهیم اسلامی، ضرورت و آثار آن

ارتباط و تبادل فرهنگی میان اقوام، ملل و پیروان ادیان و مذاهب در عصر حاضر و در سایه حاکمیت فضای مجازی بر روابط بین ملت‌ها به بالاترین حد خود در زندگی بشر کنونی رسیده است. این ارتباط، مرزهای زمانی و مکانی را درنوردیده و هر گروهی سعی دارد فرهنگ خود را به دیگران معرفی کند یا درباره فرهنگ دیگران اطلاع داشته باشد. ابزار این ارتباط، آشنایی با زبان دوم است که ترجمه لغات و اصطلاحات در این میان نقش آفرینی می‌کند. بدیهی است که برای انتقال مفاهیم واژه‌های عمومی مانند: چوب (Wood)، سنگ (Stone)، آسمان (Skye)، زمین (Earth)، آب (Water)، آتش (Fire) مشکلی نیست. همچنین برخی واژه‌ها به‌ویژه در حالت ترکیب، امکان ترجمه تحت‌اللفظی ندارند؛ مانند: زمین خوردن، پرپر شدن؛ طبیعی است که در این گونه موارد، باید معادل‌یابی و یا معادل‌سازی کرد. لیکن برخی واژه‌ها دارای بار معنایی خاصی بوده و امکان ترجمه و معادل‌سازی آنها نیز وجود ندارد. در این موارد، از جمله راه‌ها، ترجمه آن اصطلاح یا جمله به نزدیک‌ترین معادل در زبان مقصد است. این راه‌حل در بسیاری موارد مناسب است ولی در مواردی نیز ناتوان است و نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه به سبب بار معنای خاص واژگان در هر زبانی که آمیخته با پیش‌فرض‌ها و درک خاصی از یک واژه است، در انتقال دقیق مفاهیم، اختلال ایجاد می‌کند. این مشکل در مورد انتقال مفاهیم دینی از یک زبان به زبان دیگر بیشتر، خودنمایی می‌کند. راه‌حلی که برای این مشکل، اندیشیده شده، انتقال اصطلاح موردنظر از زبان مبدأ به زبان مقصد با استفاده از نویسه‌های زبان مقصد و توضیح مفهوم آن به همان نحوی است که مخاطب زبان اول می‌فهمد. از این‌رو در صورت قائل شدن به ترجمه‌ناپذیری واژه‌هایی مانند: «الله، صلاة، وضو»، یکی از راه‌های حل این مشکل، نویسه‌گردانی آن به صورت «Allah, Salat, wuzu» است که در این صورت، باید مفهوم این واژه‌های نویسه‌گردانی شده نیز جداگانه تبیین شود.

توضیح اینکه؛ استعمال واژگان در هر لغتی، تابع وضع لفظ یا کثرت استعمال لفظ در

معنای خاصی است؛ استعمال لفظ در معنای خاص به لحاظ تناسبی است که بین مفهوم لغوی آن و معنای جدید، وجود دارد. کثرت استعمال در معنای خاص، موجب می‌شود که واژه مورد نظر به صورت وضع تعینی، برای مفهوم جدید با ویژگی‌های خاص آن در آید (مظفر، ۱۳۷۵، ج ۱: ص ۳۶؛ صدر، ۱۴۱۵ق: ص ۸۳؛ موسوی خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ص ۴۹) و در ادامه، معنای لغوی محض که خالی از قید و شرط جدید است به کناری رود؛ بنابراین معنای اصطلاحی جدید، خودش موجودیت خاص خود را دارد و برای ترجمه آن به واژه‌ای در زبان دوم این ویژگی‌های خاص باید در نظر گرفته شود که به چند نمونه آن، اشاره می‌شود:

واژه «الله»؛ واژه الله، عَلم است برای ذات مستجمع جمیع صفات کمالیه (فردِ اَحدِ صمدِ قیوم خالقِ جهان هستی و ...) (سبحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ص ۱۸۴) و این کلمه، مفردی است که جمع بسته نمی‌شود (همو، ۱۳۸۴: ص ۵۰)؛ در مقابل واژه «اله» است که عام است و شامل خداوند متعال و دیگر خدایان موهوم نیز می‌شود؛ همانند God در انگلیسی. از این رو، هردو به «آلهه» و «gods» جمع بسته می‌شوند. از این رو بسیاری از مترجمین آن را به صورت «Allah» نویسه‌گردانی کرده‌اند.

واژه صلاة؛ صلاة، به معنای عبادت مخصوصی است که به صورت حقیقت شرعیه یا متشرعه^۱ برای عمل عبادی خاصی استعمال می‌شود. این عمل عبادی، دارای اجزا، شرایط و آداب خاصی است و روزانه پنج مرتبه توسط مسلمانان اقامه می‌شود. ترجمه صلاة به «prayer» که در زبان انگلیسی به معنای دعا، نیایش و سپاس‌گزاری است و از نظر تحقق و مصداق متداول در خارج، به صورت خاص خودش در کلیسا انجام می‌شود، صحیح نیست. توجه به این نکته، مهم است که گرچه واژه صلاة در لغت عربی به معنای دعا آمده، ولی اکنون که به سبب کثرت استعمال در عمل عبادی مخصوص، به صورت وضع تعینی در آن مفهوم، استعمال می‌شود، در خصوص استعمال حقیقی واژه «صلاة» در آن مفهوم، مشکلی نیست؛ هم‌چنان که استعمال نماز در فارسی به عنوان معادل «صلاة» در زمان حاضر که

۱. برای اطلاعات بیشتر در مورد حقیقت شرعیه و حقیقت متشرعه؛ ر.ک: محاضرات فی اصول الفقه، ج ۱: ص ۱۲۵ و فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت ۸ ج ۳: ص ۳۴۶.

به صورت وضع تعینی همان مفهوم را می‌رساند نیز جای اشکال نیست. اما این علاقه میان مفهوم صلاة و واژه «prayer» هنوز برقرار نشده؛ بنابراین، استعمال «prayer» به عنوان ترجمه «صلاة» بدون قرینه درست نیست؛ زیرا ما در مقام ترجمه صلاة به معنای لغوی (دعا) نیستیم، بلکه می‌خواهیم مفهوم اصطلاحی آن (عبادت مخصوص) را در زبان جدید به مخاطبانش منتقل کنیم.

واژه وضوء؛ از دیگر واژه‌های فرهنگ اسلامی دارای بار معنایی خاص، واژه وضو است. وضو گرفتن به معنای رساندن آب به اعضای خاص از بدن (صورت، دست‌ها) و مسح؛ یعنی رساندن خیسی آب به اعضای خاص (جلوی سر و روی پاها) با شرایط خاص خودش (نیت، قصد قربت، ترتیب و موالات) است. ترجمه وضو به «Ablution» به نظر درست نمی‌رسد؛ زیرا «Ablution» در زبان انگلیسی به معنای مطلق شستشو و استحمام است و مترادف واژه‌هایی مثل «washing, cleaning, bathing» برای شستن، تمیز کردن و دوش گرفتن آمده (دیکشنری آکسفورد، ۱۳۹۷، «Ablution»). بنابراین، برای انتقال دقیق مفهوم آن، باید خود وضوء نویسه‌گردانی شود و سپس به انگلیسی توضیح داده شود که آن یک دستور اسلامی است برای شستن صورت و دست‌ها با اجزا و شرایط خاص و همان ملاک در مفاهمه باشد. ترجمه وضو (یا وضوء) در فارسی به: دست نماز یا آب‌دست (دهخدا، ۱۳۳۷، ج ۴۹: ص ۲۱۲، ذیل واژه «وضوء») نیز دقیق به نظر نمی‌آید و بهتر آن است که به همان شکل ولی در قالب فارسی «وضو» استعمال شود.

یادآوری: نکته مهم این است که ممکن است در همه موارد فوق و مشابه آن، واژه‌ای بر اثر کثرت استعمال در زبان دوم در همان معنای اصیل اسلامی به صورت حقیقی استعمال شود (مظفر، ۱۳۷۵، ج ۱: ص ۳۶؛ صدر، ۱۴۱۵ق: ص ۸۳ و موسوی خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ص ۴۹) که در این صورت، با فرض تحقق این شرط، اشکالی در معادل‌بودن نخواهد بود؛ لیکن تمرکز پژوهش بر این نکات نیست و بیان این موارد به عنوان نمونه و برای روشن شدن منشأ طرح نویسه‌گردانی است. هدف این است که در صورت اقدام به نویسه‌گردانی، چه سازوکارهایی باید انجام شود تا دچار نابسامانی در بازیابی اطلاعات نشویم.

نویسه‌گردانی برای تعمیق آشنایی کاربر با اصطلاحات اسلامی

مطالبی که در مورد چرایی نویسه‌گردانی بیان شد، با فرض این بود که برخی واژه‌ها امکان ترجمه دقیق به زبان دوم را ندارند، اما نکته این جاست که نویسه‌گردانی، متوقف بر عدم امکان ترجمه و معادل‌یابی نیست بلکه در مواردی که امکان ترجمه و معادل‌یابی نیز وجود دارد ممکن است نویسه‌گردانی انجام شود و هدف، آشنایی مخاطب در زبان دوم با خود اصطلاحات متداول در زبان مبدأ باشد؛ به عبارت دیگر، با این کار می‌توان فرهنگ‌سازی کرد که نتیجه آن، انتشار و رواج اصطلاحات علوم اسلامی در محیط‌های آموزشی و پژوهشی دیگر ملل جهان، وسیله‌ای برای تعمیق اطلاعات اسلامی، جذب و گرایش آنان به معارف اسلامی خواهد بود.

وضعیت استانداردسازی نویسه‌گردانی اصطلاحات علوم اسلامی

درباره وضعیت استانداردسازی نویسه‌گردانی اصطلاحات علوم اسلامی، همان‌گونه که در مقدمه این نوشتار بیان شد می‌توان گفت؛ تاکنون کاری انجام نشده و یا مشاهده نشده است. تفاوت خروجی‌ها در حوزه نویسه‌گردانی در مراکز و مؤسسات آموزشی، پژوهشی، به‌خوبی بیانگر عدم انضباط، ناهماهنگی و بلکه فقدان معیار مشخص در نویسه‌گردانی حتی در یک سازمان است و با وجود فواید نویسه‌گردانی و ضرورت آن، کار بایسته‌ای در این حوزه به‌ویژه در مورد استانداردسازی آن صورت نگرفته است.

پیامدهای وضعیت موجود در نویسه‌گردانی بر بازیابی اطلاعات

وضعیت موجود در نویسه‌گردانی به صورت عموم و به‌ویژه در حوزه اصطلاحات علوم اسلامی موجب هرج و مرج در نحوه نویسه‌گردانی در محیط نشر مکتوب، فضای مجازی و محیط وب و سبب ناهماهنگی در ورود اطلاعات در پایگاه‌های اطلاعاتی شده که مهمترین پیامدهای آن عبارتند از:

- ۱- عدم دست‌یابی کامل به اطلاعات موردنظر در بسیاری موارد؛ ۲- تلاش برای حدس و کشف همه صورت‌های ممکن برای اصطلاحات نویسه‌گردانی شده و وارد کردن تک‌تک آن‌ها برای تکمیل بازیابی اطلاعات؛ ۳- اتلاف فرصت در بازیابی اطلاعات.

مشکلات نویسه‌گردانی

در ادامه به برخی از تفاوت‌های میان دو زبان مبدأ و مقصد که عدم توجه کافی به آن‌ها و ناهماهنگی در نویسه‌گردانی می‌تواند سبب پدید آمدن مشکلاتی گردد، اشاره می‌شود:

۱- تفاوت دو زبان مبدأ و مقصد از نظر تلفظ برخی حروف، مانند حروف: «ح، خ، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ق». این حروف به صورت عادی در زبان انگلیسی وجود ندارد و برای معادل‌سازی تلفظ آن، معمولاً از ترکیب دو حرف؛ مانند: «gh» برای «غ» در: «ghaib» برای «غیب» یا استفاده از یک حرف همراه علائم فونتیک؛ مانند: «g̃aib» استفاده می‌شود.^۱

۲- تفاوت زبان مبدأ و مقصد از نظر تعداد حروف برای بیان تلفظ یک حرف مانند حروف: «ث، خ، ش، غ»؛ که در زبان انگلیسی برای نشان دادن آن از ترکیب دو حرف: «th, kh, sh, gh» استفاده می‌شود مانند: ارث (erth)، خلیل (khalil)، شمس (shams)، غیب (ghayb). همچنین ممکن است از علائم فونتیک مانند š برای نشان دادن تلفظ «ش» استفاده شود؛ مانند: «šahms».

۳- عدم رعایت ضابطه در نویسه‌گردانی در خصوص تلفظ برخی حروف در زبان مبدأ مانند: حروف: «ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، و». مانند نویسه‌گردانی: «ثابت، جبل، ذکر، صدق، ضلال، طلح، ظلال، عبادت، غیب، وحی» به:

«sabet, habl, zekr, sedq, zalal, talh, zelal, ebadat, qaib, vahy» در حالی که برای تلفظ

هر یک از این حروف، ضوابط خاصی (گزینش حرف مناسب، ترکیب حروف و یا استفاده از علائم فونتیک) تعریف شده است؛ گرچه خود این ضوابط نیز در مواردی با هم همخوانی ندارند؛ مانند جایگزینی نویسه «ض» به صورت d یا dz؛ از این رو «رمضان» هم به صورت «Ramadan» و هم به صورت «Ramazan» نویسه‌گردانی شده؛ هم‌چنان که برخی نیز بدون رعایت هیچ ضابطه‌ای به صورت «Ramazan» می‌نویسند و مصادیق هر کدام از این‌ها در پایگاه‌های اینترنتی موجود است و از طریق جستجوی هر یک از این واژه‌ها

۱. جهت مطالعه بیشتر ر.ک:

<http://www.jahanshiri.ir/fa/fa/negaresh-be-latin>.

<https://zabanebartar.com/the-pronunciation-of-compound-alphabets/>

https://en.wikipedia.org/wiki/Arabic_alphabet

- توسط موتور جستجوی گوگل^۱، می‌توان نمونه‌های آن را مشاهده نمود.
- ۴- نبود انضباط و هرج و مرج در نویسه‌گردانی مانند: نوشتن حرف خ با «kh» یا «x» برای واژه «خلیل» که هم به شکل «Khalil» و هم به شکل «Xalil» نوشته می‌شود.
- ۵- تفاوت روش‌ها برای نشان‌دادن حرکات، از طریق حروف معمولی مانند نویسه‌گردانی قرآن به این صورت: «Quran» یا به این صورت: «Qoran» و نوشتن یوسف به صورت‌های زیر: «Yousof, Yoosof, Yusof, Yousuf, Yoosuf, Yusuf» یا از طریق علائم فونوتیک؛ مثلاً استفاده از خط تیره بالای حرف صدادار (-) برای صداهای «آی» بلند و یا هشتک (^) و برای صدای «آی» کوتاه؛ درحالی‌که برخی نیز بدون تفکیک موارد برای نشان‌دادن صدای «آی» ممکن است از همان یک حرف «a» یا دو حرف «aa» استفاده کنند؛ مانند نویسه: «ketaab , ketab» برای «کتاب» و نویسه: «shohadaa , shohada» برای واژه «شهادا». نکته ظریف این‌جاست که به سبب اشتراک استعمال این واژه در زبان فارسی و عربی و موارد مشابه آن، ممکن است به این نکته توجه نشود که این واژه در عربی به صورت الف ممدود (شهداء) نوشته می‌شود؛ در نتیجه برای نشان‌دادن آن از دو حرف «aa» استفاده می‌شود در حالی‌که در تلفظ فارسی چنین نیست و یک حرف «a» کافی است.
- ۶- اختلاف در نویسه‌گردانی «آی» در مثل کلمه «غَیْب»، با «y» یا «i». ممکن است کسی آن را به صورت «ghayb» و شخص دیگری به صورت «ghaib» بنویسد.
- ۷- تفاوت در استفاده از برخی علائم در نویسه‌ها؛ مثلاً برای واژه‌های «قرآن» و «الحمد» به دو شکل زیر نوشته شود: «Quran» یا «Qur'an» و «alhamd» یا «al.hamd».
- ۸- تفاوت زبان مبدأ و مقصد به لحاظ واکه (مصوّت)های کوتاه (حرکات، ُ) که به حروف اضافه می‌شوند؛ بدون این که خود، به تنهایی حرف محسوب شوند؛ مانند: «مستلزم»، «منحرف» و... درحالی‌که در نویسه‌گردانی هر یک از این واژه‌ها، برای هر یک از این حرکات، حرف خاص آن (o یا a,u و e) استعمال می‌شود مانند: «mostalzem» یا «mustalzem».
- ۹- در مواردی با توجه به عدم امکان تبدیل حرف به حرف از مبدأ به مقصد به دلیل عدم

وجود آن در مقصد مانند «ع» و «ح» در انگلیسی باید در نویسه‌گردانی از علائم مخصوص برای نشان‌دادن تلفظ حرف خاص استفاده کرد و در این موارد با استفاده از آوانگاری، نویسه موردنظر را دقیق‌تر بیان می‌کنیم.

۱۰- مشکلات دیگری نیز در خصوص نحوه ضبط کلمات و تلفظ آن‌ها وجود دارد که به مشکلات مربوط به زبان مبدأ برمی‌گردد و ممکن است یک واژه به چند طریق تلفظ شود که همه دارای معنای واحدی باشد مانند «رشوه» که «رشوه»، «رَشوه» و نیز «رُشوه» خوانده می‌شود و ممکن است کلمه‌ای با چند هیئت بوده و بهر هیئت دارای معنای خاصی باشد (که برای رفع ابهام، باید از قراین موجود در متن کمک گرفت) مانند: «جرم» که دارای چند شکل به‌لحاظ حرف اول است: «جرم» به معنای قطع، «جرم» به معنای جسم و «جرم» به معنای گناه (شرفاوی، ۱۹۹۳م: ص ۳۰۲) مشابه این موردی است که کلمه‌ای بدون حرکات، مشتبه بین چند ریشه باشد مانند: «عده» که ممکن است «عِدَّة» (گروه، بخشی از زمان) یا «عُدَّة» (نیرو، امکانات) از ریشه «عدد» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ص ۷۹) و یا «عِدَّة» (وعده‌دادن) از ریشه «وعد» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۲۲۲) باشد؛ که پرداختن به آن‌ها از ظرفیت این پژوهش خارج است و فرصت مستقلی می‌طلبد.

موارد یادشده بخشی از مشکلات در حوزه نویسه‌گردانی در حوزه اصطلاحات علوم اسلامی است که در صورت ضابطه‌مندنبودن کار نویسه‌گردانی، مشکلات بیشماری را در پی خواهد داشت و کلاف سردرگمی در بازیابی اطلاعات خواهد بود.

بایسته‌های نویسه‌گردانی اصطلاحات علوم اسلامی

برای رفع پیامدهای یادشده اقدامات زیر ضروری است:

۱- سیاست‌گذاری، تعریف اهداف، مأموریت‌ها و اولویت‌گذاری در گزینش حوزه‌های کاری و درنهایت، تدوین دستورالعمل شفاف، در حوزه نویسه‌گردانی اصطلاحات علوم اسلامی.

۲- استانداردسازی نویسه‌های اصطلاحات؛ این کار، نیازمند برنامه، سازوکار، فرصت و امکانات خاص است و باید با تشکیل گروه علمی متشکل از پژوهشگران دینی آشنا با اقتضائات اطلاع‌رسانی نوین و نیز افراد خبره در زبان انگلیسی، انجام شود.

۳- تلاش برای ارائه توضیح و تبیین مفهومی واژگان نویسی گردانی شده و نیز استفاده از نزدیک‌ترین معادل‌های موجود. توجه شود که هدف از نویسه گردانی، فقط نویسه گردانی نیست بلکه هدف اصلی، رساندن پیام دقیق معارف اسلامی و مفاهیم دینی به دیگران است.

۴- راه‌اندازی پایگاه داده‌های مربوط به نویسه گردانی مشتمل بر نویسه‌های استاندارد و تمامی نویسه‌های موجود در هر حوزه و ارجاع نویسه‌های غیراستاندارد به نویسه‌های استاندارد شده از طریق استفاده از «نظام بک و بچ و عناوین معیار (مرجع) و ارجاع به مرجع»^۱؛ روشن است که اطلاعات همان‌گونه که ذخیره می‌شوند، امکان بازیابی خواهند داشت.

از آنجایی که اصطلاحات علوم و معارف اسلامی علاوه بر نشر در بسترهای فیزیکی، در محیط‌های سایبری و فضاها مجازی نیز به صورت‌های مختلف نویسه گردانی و ذخیره شده‌اند و استاندارد برای کیفیت ضبط نویسه‌های اصطلاحات موجود نبوده، حتی اگر روزی استاندارد برای تعیین شود، باز به عمد و یا سهو مورد مخالفت قرار خواهد گرفت و در نتیجه، همچنان هرچ و مرج در کیفیت ذخیره نویسه‌ی اصطلاحات (گرچه در مقیاس کمتر) امتداد خواهد داشت؛ ناچار برای تکمیل بازیابی باید چاره‌ای اندیشیده شود. راه‌حلی که در این باره به نظر می‌رسد و تاکنون توانایی خود را نشان داده، ضبط تمام اشکال ممکن در نویسه گردانی اصطلاحات مورد نظر به عنوان اصطلاح مرجع (معیار) و اصطلاحات غیر مرجع. و ارجاع تمام اصطلاحات نویسه گردانی شده غیر مرجع به یک اصطلاح نویسه گردانی شده مرجع است و در نتیجه، در مقام جست‌وجو، تمام صور مختلف اصطلاحات نویسه گردانی شده مورد بازیابی قرار می‌گیرند؛ بدون این که در متن اصلی تغییری رخ دهد.

۵- همکاری، مشارکت و کار گروهی؛ روشن است که شرط موفقیت در استانداردسازی و تعیین معیار برای هر کاری، همکاری همه نهادها و مراکز دست‌اندرکار است. این کار نیز به نوبه خود، مستلزم همدلی، همفکری و تصمیم قاطع برای تعامل متقابل

۱. در خصوص اصطلاحات مرجع و غیرمرجع و ارجاع به مرجع به عنوان توصیف‌گر و سرشناسه، ر.ک: «درآمدی بر مبانی اصطلاح‌نامه علوم اسلامی» تألیف: محمدهادی یعقوب‌نژاد: ص ۸۵ و ص ۱۳۶.

است؛ البته این مسئله با این نکته منافات ندارد که مراکزمانند پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی که پیشرو در حوزه ساماندهی و مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی است و از سابقه و تجربه خوبی نیز برخوردار است در این عرصه ورود پیدا کرده تا مبنایی برای بررسی، مشارکت و همکاری دیگر مراکز در خصوص نویسه‌گردانی اصطلاحات علوم اسلامی شود.

از جمله چیزهایی که در این عرصه، لازم به نظر می‌رسد تلاش برای ایجاد هماهنگی میان صاحبان اثر در حوزه فرهنگ زبان است.

نتیجه‌گیری

با توجه به کاربرد نویسه‌گردانی اصطلاحات علوم اسلامی در مدیریت دانش اسلامی و نقش آن در انتقال دقیق مفاهیم دینی، روشن شد که نویسه‌گردانی متون اسلامی و نیز ساماندهی مترادفات آن همراه توضیح و تبیین واژگان اسلامی، یک ضرورت انکارناپذیر است و آثار و برکات فراوانی در جهت آشنایی مخاطبان با معارف اسلامی دارد و لازمه این کار، استانداردسازی آن است و در صورت عدم انجام، دچار هرج‌ومرج شده و با عوارض نامطلوب و سرگردان‌کننده‌ای در سامان‌دهی و بازیابی اطلاعات، مواجه خواهیم شد و شایسته نیست که مرکز یا مؤسسه‌ای بخواهد برای خود آیین‌نامه‌ای تدوین کند و کاری به مراکز و مؤسسات دیگر نداشته باشد و چه‌بسا انتظار داشته باشد که دیگران از او پیروی کنند؛ این کار باید با دقت و در یک فضای علمی با هماهنگی کلیه مراکز مرتبط پژوهشی، آموزشی، کتاب‌خانه‌ها، متولیان مراکز ترجمه و نشر، سامان‌پذیرد و این منافات ندارد که مراکز پیشگام در این عرصه مانند پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی ابتدا به این مسئله ورود پیدا کرده و سپس دیگران را به همکاری دعوت کند و از نظرات و انتقادات سازنده برای پیش‌برد آن بهره‌برد. همچنین ماهیت این کار و حوزه کاربردی فراگیر و مشترک آن، نیازمند پیگیری هم در عرصه ملی و هم بین‌المللی است.

کتاب‌نامه

۱. آریان‌پور کاشانی، منوچهر (۱۳۸۱)، فرهنگ جامع پیشرو آریان‌پور (۴جلدی)، چ ۳، تهران: نشر جهان رایانه.
۲. ابراهیمی، علی (۱۳۸۲)، *History of The Caliphs*؛ ترجمه کتاب: تاریخ خلفه، ج ۲، اثر: رسول جعفریان، چ ۱، قم: نشر انصاریان.
۳. اسلامیک داک (سایت) (۱۳۹۷)، «طبقه‌بندی فقه بر اساس اصطلاح‌نامه (تزاروس)»، تاریخ مراجعه: ۲۵ آبان ۱۳۹۷ به آدرس: http://islamicdoc.org/article_section/articles_estelahname.html
۴. امامی، کریم (۱۳۸۶)، فرهنگ معاصر کیمیا، چ ۳، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
۵. انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن (۸جلدی)، چ ۱، تهران: چاپخانه مهارت.
۶. _____ (۱۳۸۲)، فرهنگ فشرده سخن (۲جلدی)، چ ۱، تهران: چاپخانه مهارت.
۷. _____ (۱۳۸۳)، فرهنگ کنایات سخن (۲جلدی)، چ ۱، تهران: چاپخانه مهارت.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، «علوم اسلامی در صبغه اسلامی»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، دوره ۱۴، ش ۲۳، آدرس اینترنتی: http://jut.samt.ac.ir/article_17581.html
۹. حمیم، سلیمان (۱۳۸۷)، فرهنگ بزرگ فارسی-انگلیسی، چ ۱، تهران: چاپ فرهنگ معاصر.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۷)، لغت‌نامه دهخدا، چ ۱، تهران (دانشگاه تهران): نشر سیروس.
۱۱. دیکشنری آکسفورد (۱۳۹۷)، «ablutions» تاریخ مراجعه ۲۸ آبان ۱۳۹۷ به آدرس: <https://en.oxforddictionaries.com/thesaurus/ablutions>.
۱۲. رضوی، سیدانتر حسین (۱۳۸۳)، *Greater Sins*؛ ترجمه کتاب: گناهان کبیره، اثر: آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب، چ ۱، قم: نشر انصاریان.
۱۳. سبحانی، جعفر (۱۳۸۴)، التوحید والشک فی القرآن الکریم، چ ۲، قم: مؤسسه امام صادق ۷.

۱۴. _____ (۱۴۱۲ق)، الالهیات علی هدی الکتاب و السنه و العقل، چ ۳، قم: مرکز العالمی للدراسات الإسلامیة.
۱۵. شاهین، عبدالله (۲۰۰۴م)، *Fadak in History*؛ ترجمه کتاب: الفدک فی التاریخ، اثر: سیدمحمدباقر صدر، چ ۱، قم: نشر انصاریان.
۱۶. شرفاوی، احمد (۱۹۹۳م)، معجم المعاجم، چ ۲، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
۱۷. صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۱۵ق)، دروس فی علم الاصول، چ ۳، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. صدرعاملی، سیدعباس (۱۳۷۹)، *The light of the holy Qur'an*، ترجمه: سیدعباس صدر عاملی، چ ۷، قم: نشر انصاریان.
۱۹. صدیقی افشار، غلامحسین، نسرتن حکمی و نسترن حکمی (۱۳۸۸)، فرهنگ‌نامه فارسی؛ واژگان و اعلام، (۳جلدی)، چ ۱، تهران: فرهنگ معاصر.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، العین، چ ۲، قم: نشر هجرت.
۲۱. کامیرون، د.ا. (۱۹۷۹م)، قاموس عربی - انکلیزی، بیروت: مکتبه لبنان، بی‌جا.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، آشنایی با علوم اسلامی، چ ۸، قم: انتشارات صدرا.
۲۳. مظفر، محمدرضا (۱۳۷۵)، اصول الفقه، چ ۵، قم: نشر اسماعیلیان.
۲۴. معین، محمد (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی (۶جلدی)، چ ۹، تهران: نشر سپهر.
۲۵. موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۸۴)، دانشنامه ایران، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۲۶. موسوی خوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، محاضرات فی اصول الفقه، قم: دارالهادی للمطبوعات.
۲۷. نقوی، سیدخادم حسین (۱۹۹۲م) فرهنگ اصطلاحات اسلامی، قم: نشر انصاریان.
۲۸. ویکی پدیا (۱۳۹۷)، «Glossary of Islam»، تاریخ مراجعه: ۵ آذر ۱۳۹۷ به آدرس: https://en.wikipedia.org/wiki/Glossary_of_Islam
۲۹. ویکی فقه (۱۳۹۷)، «علوم اسلامی»، تاریخ مراجعه: ۲۵ آبان ۱۳۹۷ به آدرس: <http://wikifeqh.ir>
۳۰. یعقوب نژاد، محمدهادی (۱۳۷۵)، درآمدی بر اصطلاح‌نامه علوم اسلامی، چ ۱، قم: بوستان کتاب.